

در امور سیاسی هیچ وقت مداخله نمودیم زیرا حضرت بهاءالله بنص صریح ما را از مداخله در امور سیاسی منع فرموده لهذا در هنگام انقلاب در ایران بکرات و مراتب یاران سمت تحریر یافت که تا دولت و ملت مانند شهد و شیر آمیخته نگردد و بمثابة آب و راح امتزاج نیابد البته فلاح و نجاح محال است زیرا دولت و ملت عرق و روح است و جان و شریان تا این دو ارتباط تام نیابد فتبارک الله احسن الخالقین تحقق نجوید پس بتمام همت بکوشید تا میان دولت و ملت الفت و ارتباط تام حاصل شود و اگر چنانچه میسر نشد و مستحیل و متعسر گشت کناره گیرید و با حزبی درنیاوید ای یاران زنده زنده از نزع و جدال زنده زنده از سفک دما مبادا سبب اهراق دم انسانی و داخل در خون ایرانی گردید تا بتوانید در ایتلاف و اتفاق و اتحاد جمیع احزاب بکوشید

اما در تشبث و سائط ترقی مادی و ادبی دولت و ملت ایران ابداً قصور و تراخی نگردید بلکه نهایت همت و جانفشانی و تحمّل هر مشقت و بیسر و سامانی شد زیرا هر ملتی که بهبوط و سقوط مبتلا گشت تا قوتی خارق العاده نیابد و رستخیزی برنخیزد و بقوتی معنوی مؤید نشود از حسیض ذلت نجات نیابد و باوج عزت ابدیه نرسد بلی بتدبیر ممکن است که ملتی بتدربیح ترقی کند و بمدنیّت عالم انسانی متجلی شود ولی مدّت مدیده باید علاج فوری نباشد و دریاق شافی نگردد اما اگر ملت بقوتی معنوی موفق گردد در اندک زمانی ترقی خارق العاده نماید و باعلی مدارج فضائل و کمالات عالم انسانی رسد و در بین جمیع ملل سرفراز و بزرگوار گردد مثلاً بادیه‌نشین تازیان و عشائر و قبائل جزیره العرب اگر میخواستند بحسن تدبیر ترقی نمایند و بوسائط مادیّه تشبث کنند الی الآن در جزیره العرب عربان بادیه بودند و بر حال قدیم سرگردان بیابان و اگر بحسن تدبیر ترقی‌ئی حاصل میشد بتدربیح ممکن بود ولی فلاح و نجاح سریع محال بود چون قوه معنویّه در میان عرب ظاهر شد در اندک زمانی از حسیض نادانی باوج عزت عالم انسانی رسیدند و از اسفل درکات رذائل نجات یافته باعظم فضائل عالم مدنی فائز گشتند زیرا در اندک زمانی بحسن تدبیر ابوذر فقیر امیر ابرار نمیشد و عمّار تمار مشکاة انوار نمیگشت و عمر واند قائد اقالیم اربعه نمیشد اما قوت معنویّه بمیان آمد در اندک زمانی آن قوم ذلیل عزیز گشت و آنحزب جاهل فاضل شد و آن ملت بیسر و سامان کام دل و راحت جان یافت حال انصاف دهید بوسائل مادیّه ممکن بود که آن عربان بادیه حائز فضائل انسانیّه گردند لا والله اما قوت معنویّه جسم میت ملت را زنده کرد و عظم رمیم را روح بخشید لهذا این آوارگان از دل و جان میکوشند تا ملت ایران قوت معنویّه یابند و در جهان بمحبّت و مهربانی و الفت و خیرخواهی و آشتی و راستی و دوستی و حقیقت‌پرستی شهره آفاق گردند و علم وحدت عالم انسانی را در قطب امکان بلند کنند از تعصبات جاهلیّه فارغ شوند و بموجب تعالیم آسمانی وحدت بشر را ترویج نمایند و بجمیع ملل و دول در نهایت صلح و صلاح و یگانگی هستند و بکلّ فرق عالم بمحبّت و مهربانی پردازند و مقصود اینست که ملت ایران نورانیت مجسمه گردد و آفاق را روشن کند و روحانیت ربّانیّه رخ گشاید و جسم آفاق بروح وحدت انسانی زنده شود اینست که ملاحظه مینمائید که الحمد لله باین وسائط روح وحدت دمیده شد و بارقه ارتباط بین ملل شرق و غرب اندکی نمودار گشت چه خدمتی اعظم از اینست که ملل غرب شرقی را وحشی میشمرد حال تمجید مینمایند و مؤسس فضائل عالم انسانی میشمزند این همه از نتایج سحر است